

میدون و سوفیا

نجاتم نده لطفا!



پوریا عالمی

سوفیا... عشقم... رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور محبوب ترکیه گفت: با همکاری برخی کشورها، منطقه را نجات دهند. ما هم موافقیم. تنها کسانی که می‌توانند منطقه را نجات بدهند ترکیه و بقیه هستند. البته سؤال این است که از دست چه کسانی؟ می‌دانی سوفیا؟ ما فقط نگران هستیم ترکیه اگر بخواهد منطقه را نجات بدهد، یک موقع حواسش از خود ترکیه پرت نشود و روزنامه‌نگارانش از دست ترکیه نجات پیدا نکنند؟ اتفاقا سوفیا! من یک داداش داشتم که من را اذیت می‌کرد، بعد یک بار به من پیشنهاد داد من با او همکاری کنم تا از دست بابامان نجات پیدا کنیم! من هرچه به داداشم می‌گفتم من می‌خواهم از دست تو نجات پیدا کنم می‌گفت مالیدی. سوفیا، این حرف ترکیه البته مثل آن حکایتی است که طرف به‌زور دست یک پیرزن را گرفت و گفت من می‌خواهم نجاتت بدهم و بعد از خیابان برد آن‌ور، بعد پیرزنه داد زد: خاک‌توستر! من تازه رسیده بودم آن‌ور و از خیابان نجات پیدا کرده بودم.

همین حوالی

عشق در سپیده‌دانی

دو شماره ۱۲۳ و ۱۲۴ ماهنامه نظری-تحلیلی «سپیده‌دانی» در یک مجلد منتشر شده است. سرمقاله شماره آذر و دی ۱۳۹۷ این مجله به قلم دکتر محمود گلزاری، مدیرمسئول با عنوان «حال خوش خواندن» به پیروزی کتاب بر همه رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی پرداخته است. مبحث روان‌شناسی عشق در بخش روان‌شناسی وجودی بررسی شده و در بخش‌های روان‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی مثبت به تجربه کودکی در فرهنگ‌های گوناگون برمی‌خوریم. روان‌شناسی خانواده، روان‌شناسی هنر، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی سیاسی نیز بخش‌های دیگر این مجله هستند. «سپیده‌دانی» در ۲۴۴ صفحه و به قیمت ۱۵ هزار تومان روی دکه روزنامه‌فروشی‌ها حاضر است.

شرق روزنامه

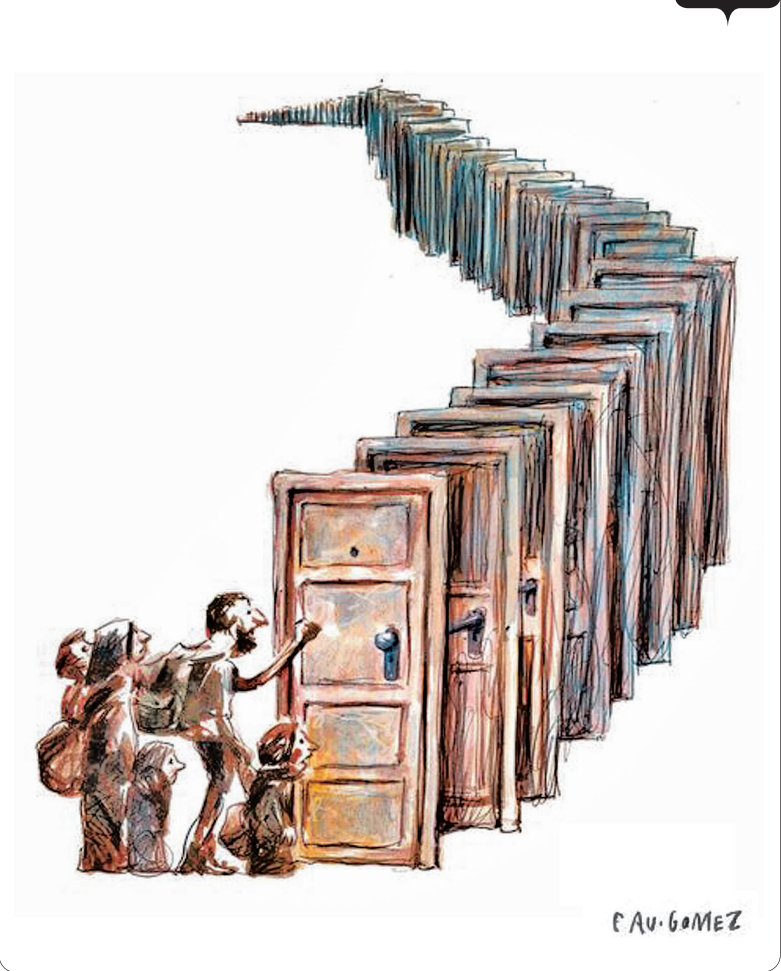
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۷ • ۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ • ۲۸ ژانویه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۵۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۷:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۴۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

روزنارخرا

کارتون خواب

گائو گومز



LEON

Since 1960

Where quality meets luxury...



لئون

شعبه سام ستنر

فرشته (فیاضی)، مرکز خرید سام ستنر، طبقه ۸

رزرو کنید: ۲۲ ۶۵ ۳۸ ۴۱

www.leon1960.com

@/leon.1960



آکادمی

نامه‌هایی برای تمام فصول-۳

آموزش

آموزشی کافی هم فراهم نشد، مفهوم مکتب و سنت در دانشکده‌ها جا نیفتاد، بیمارستان‌های متعدد، حتی در شهرهای دور به صرف وجود متخصصان برای آنکه استاد باشند و دستیاران برای آنکه کار کنند، پیش از آنکه سنت‌های آموزشی جاقافتاده‌ای پیدا کنند. دانشگاه شدند. ارتباط و رویتش بین‌المللی تقریباً به‌طور کامل قطع شد و آموزش پزشکی به رشد و تکاملی ایزوله ادامه داد تا حدی که جدا نمی‌دانیم در راهیم یا در بیراه؟ و اگر این بیراه است با راه چه نسبتی دارد؟ در چنین شرایطی است که تحویل آموزش به بخش خصوصی می‌تواند سلامت را تا مرز فاجعه برود و مصیبت دیگری بیافریند و آن هم همان مصیبت قدیمی عادت به بحران و فاجعه است. وزارت که قادر به نظارت کافی بر بیمارستان‌هایی که خود اداره می‌کرد نبود، چگونه می‌تواند بر بیمارستان‌های خصوصی نظارت کند؟ از آموزش گذشته، آیا تحت‌تأثیر برخی سنت‌های ناپسند بیمارستان‌های آموزشی، امر درمان هم در بیمارستان‌های خصوصی به خطر نخواهد افتاد؟ سنت‌هایی مثل لیزخوردن و وظایف از اتند به دستیار و از دستیار سال بالا به دستیار سال پایین و بعد انترن و صحنه‌هایی مثل صف‌کشیدن چند بیمار در یک اتاق درمانگاه در کنار هم و ویزیت بیماران در حضور یکدیگر؟! رفتارهایی که در طب خصوصی هنوز قبحشان ریخته و اینجا دیگر هرکدام معانی اقتصادی‌هم خواهند داشت. آموزش وظیفه ذاتی هر طبییی است، پزشکان در اساس کاری جز آموزش ندارند، اما لطفاً انتقال آموزش رسمی پزشکی به طب خصوصی را تا تبلور آموزش پزشکی در بخش دولتی، هر چندسال که طول بکشد، به تعویق بیندازید.

نگاه سبز

تراژدی تایتانیک دوباره رخ می‌دهد

دانشمندان جهان ۷۹ سال است که ساعتی موسوم به آخرالزمان را رونمایی کرده‌اند تا به مردم هشدار دهند در نتیجه آمزندی، رقابت‌های هسته‌ای و تشدید مخاطرات اقلیمی، جنددقیقه تا پایان جهان باقی است. چندروز پیش راشل برانسون، مدیر «خبرنامه پژوهشگران هسته‌ای»، در برابر خبرنگاران در واشنگتن هشدار داد که شرایط امروز به اندازه خطرناک‌ترین زمان از دوران جنگ سرد که فقط دودقیقه به پایان جهان مانده بود، نگران‌کننده است! فرماندار سابق کالیفرنیا، جری براون، هم در تأیید این هشدار می‌گوید: «ما تقریباً مانند مسافران کشتی تایتانیک هستیم که در حال لذت‌بردن از خوراک و شنیدن موسیقی، کوه یخ را در مقابل خود نمی‌بینند».

پژوهشگران از تهدید حیاتی را که بحریت با آنها روبه‌روست، یافته‌اند: سلاح‌های هسته‌ای و تغییرات اقلیمی. دلیل تشدید این دو بحران هم یکی فسخ یک‌جانبه قرارداد هسته‌ای با ایران و اعلام عقب‌نشینی از یک پیمان خلع‌سلاح هسته‌ای با روسیه از جانب ایالات متحده است. همچنین مسئله غامض هسته‌ای با کره شمالی هنوز حل‌نشده باقی مانده است. علاوه‌براین، قدرت‌های هسته‌ای هم‌زمان به‌رورزسانی زرادخانه‌های خود را ادامه داده‌اند که بی‌شباهت به یک مسابقه تسلیحاتی جهانی نیست؛ مسابقه‌ای برای استقبال شتابان‌تر از مرگ و ویرانی و فروپاشی تمام سیاره!

پژوهشگران در مورد تغییرات اقلیمی گفته‌اند که انتشار دی‌اکسیدکربن که به نظر می‌رسید در دهه اخیر تا حدی ثبات پیدا کرده، در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ باز رو به افزایش گذاشته و این شاید مهم‌ترین دستاورد یک انتخاب اشتباه برای کاخ سفید از سوی مردم آمریکا باشد. این در حالی است که بارها دانشمندان هشدار داده‌اند که برای متوقف‌کردن وخیم‌ترین عواقب تغییرات اقلیم، همه کشور‌های دنیا می‌بایست انتشار کربن را تا آخر این قرن به صفر برسانند.

در طول دو سال گذشته پژوهشگران ساعت آخرالزمان خود را هر بار برای ۳۰ ثانیه به جلو کشیده‌اند. پیش از آن این ساعت از سال ۲۰۱۵ روی سه‌دقیقه به نیمه‌شب مانده ایستاده بود. آخرین بار این ساعت در سال ۱۹۵۳، پس از نخستین تست‌های بمب هیدروژنی روی دودقیقه به ۱۲ مانده ایستاده بود. این ساعت از سال ۱۹۴۷ وجود دارد و در زمان ارائه آن عقربه‌ها هفت دقیقه به ۱۲ را نشان می‌دادند. پس از فروپاشی دیوار برلین، پژوهشگران این ساعت را آشکارا - ۱۷ دقیقه پیش از نیمه‌شب- به عقب کشیدند.

«خبرنامه پژوهشگران هسته‌ای» در سال ۱۹۴۵ توسط دانشمندان آمریکایی پایه‌گذاری شد که در ساخت نخستین بمب اتمی همکاری داشتند. آنها با ساعت آخرالزمان قصد پیش‌بینی آینده را ندارند، بلکه بیشتر روند‌ها را ارزیابی می‌کنند.

خواننده عزیز روزنامه شرق!

اینکه نام ایران هم این‌بار در بالاترین سطح به‌عنوان یکی از کشور‌های مؤثر در تغییر ساعت آخرالزمان شنیده می‌شود، اصلاً خشنودکننده نیست؛ هرچند که اهمیت ناپدیدانگاشتن ملاحظات ایرانی را به جهانیان گوشزد می‌کند. کاش همچنان عقلائیست و رهبری جهانی بازمی‌گشت به‌جای کوبیدن بر طبل رقابت‌های تسلیحاتی و دهن‌کجی تفکر ترامپیسم به خطرات روزافزون تغییرات اقلیمی، منافع زمین خردمندانه‌تر لحاظ می‌شد. تنها نشانه امیدوارکننده در این میان، شاید تزلزل و سردرگمی بی‌سابقه بین طرفداران خودخواه برگزیت در بریتانیا باشد. ما باید به آن اندازه از درک و شعور برسیم تا رقابت‌های قبیله‌ای را در پای منافع کره زمین ذبح کنیم و عملاً نشان دهیم که همگی ساکن یک کشتی هستیم؛ آموزه‌ای که حضور ترامپ در کاخ سفید و هم‌فکران تمامیت‌خواهش در برخی از کشور‌های اروپایی، روسیه و چین به‌شدت آن را به چالش کشیده است.

اخراج‌های دیگری نیز در راه است. از نظر ترامپ اینها

به دلیل اخبار جعلی و خبرنگاری بد اخراج شده‌اند. او در توییتی به تیتز روزنامه نیویورک‌پست اشاره کرده بود که این فضا را مانند فرودآمدن تیر بر سر بازفید و هافبک‌تون پست توصیف کرده بود. ترامپ پیش‌بینی کرد این اتفاق به شکل غم‌انگیزی قرار است برای رسانه‌های دیگر نیز رخ بدهد و اخراج‌ها به دلیل خبرهای جعلی و روزنامه‌نگاری بد است، مردم حقیقت را می‌خواهند.

ترامپ علیه روزنامه‌نگاران اخراجی

در این مدت که از ریاست‌جمهوری ترامپ گذشته چالش بین او و روزنامه‌نگاران ادامه داشته است. اگر قبل‌تر او بیشتر خبرنگاران سسی‌ان‌ان یا نیویورک‌تایمز را تمسخر می‌کرد، حالا به سراغ خبرنگاران اخراجی در رسانه‌های پربازدید اما کمترسیاسی بازفید و هافبک‌تون پست آمده است. اخیراً تعدادی از روزنامه‌نگاران، حدود هزار نفر، بی‌کار شده‌اند و البته



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت اخیراً در فراخوانی، خواهان نظردهی جامعه پزشکی در مورد سپردن آموزش پزشکی به بخش خصوصی شده است؛ ازاین‌رو نامه‌ای بر این سری نامه‌ها افزودم. (واقعاً جای آموزش در این نامه‌ها خالی بود). آموزش پزشکی بخشی از جوهره ذاتی اخلاقیات پزشکی است. داستان فورسپسی (ابزاری در مامانی) که تنها بعد از مرگ آن متخصص زایمان موفق، در وسایلش کشف شد، مثال تاریخی رفتار غیراخلاقی در این زمینه است. از سوی دیگر در کشور ما در بسیاری از قسمت‌ها بخش خصوصی پیشگام و مدل بوده و قطعاً دارای امکاناتی است که می‌تواند باعث تعمیق تجارب دانشجویان و دستیاران شود، اما وقتی صحبت تأیید آموزش پزشکی در طب خصوصی توسط دولت در کشور ما پیش می‌آید باید به نکات دیگری نیز توجه کرد. مهم‌ترین مسئله این است که در سال‌های گذشته دولت در آموزش پزشکی مدل موافقی ارائه نکرده و آموزش در طب خصوصی هم قطعاً از مدل موجود الگوبرداری خواهد کرد؛ مدلی که در آن:

- نسبت دستیار به استاد درست برعکس این نسبت در تمام دنیاست. تنوع و تکتی در استادان وجود ندارد. استادان محدود بر بخش همه تنها از یک تخصص بالینی هستند. وقتی برای آموزش پزشکی در ازای ۲۰ عضو هیئت علمی، شامل بالینی، علوم پایه

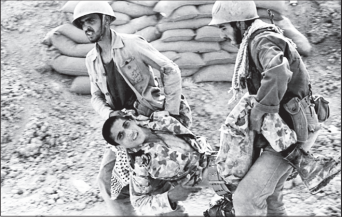


مهدی جحوانی

خمپاره که منفجر شد، سنگ و خاک به سرورومیان ریخت. فوری هر سه از حال یکدیگر جویا شدیم. در همین حال از همان سنگر پهلویی صدای رزمنده‌ای بلند شد که با حالتی بین ناله و گریه

کمک می‌طلبید. اهل تهران نبود، چون از حرف‌هایش چیزی متوجه نمی‌شدم. لهجه داشت. من که امدادگر بودم به خودم آمدم و احساس کردم که باید کاری کنم. به مصداق: اول وجود بعداً سجود! زیر آن آتش شدید، بیرون‌رفتن از سنگر را صلاح ندانستم. با خودم گفتم: تو نمی‌توانی کاری کنی. صبر کن تا آتش سبک شود. در همین فکر بودم که جوان بغل‌دستی‌ام که صدای ناله آن رزمنده را شنیده بود بلند شد و سریع از سنگر بیرون پرید و خودش را به سنگر او رساند. مجروح مرتب ناله می‌کرد و او که به ییاری‌اش رفته بود، می‌گفت: «ناراحت نباش الان پایت را می‌بندم، چیزی نشده». کمی که گذشت، به سنگر خودمان برگشت و گفت پایش را بستم. بیایید کمک کنید تا بیاوریمش اینجا، چون سنگرش خراب شده و دیگر به درد نمی‌خورد.

من که سر غیرت آمده بودم، به خودم توپیدم که پس تو اینجا چه غلطی می‌کنی؟ بلند شدم و زیر آتش دونفری مجروح را کشیدیم و تا پای سنگرمان آوردیم. بلندکردن مجروح کار سختی بود، به‌خصوص که باید او را از روی دیواره سنگر رد می‌کردیم. چاره‌ای نبود جز اینکه دست و پایش را بکشیم. آن جوان دلاور از پشت، مجروح را هل می‌داد و من و نفر سوم از توی سنگر دست و پایش را می‌کشیدیم. بالاخره او را به داخل آوردیم. من گفتم: «بقیه کارها با من». مجروح را توی سنگر درازکش کردیم. پای مجروح کج شده بود. سنگر، تنگ و تاریک و نامن بود و آتش دشمن هنوز برچشم. حالا من باید در همان حال نشسته و بی‌آنکه بتوانم سرپا بیایسم یا در محیطی باز مثل بیرون سنگر، مجروح را پانسمان کنم، همان‌جا این کار را می‌کردم. طبیعی بود که کمی دست‌وپایم را کم کنم، اما کم‌کم کار پیش رفت. باید پایش را بی حرکت می‌کردم، چون شکستگی شدید داشت. به دو آتل یا تخته چوبی احتیاج داشتم. یکی از دو جوان



کشیدیم و با کمی آب به مجروح خوراندیم. انگار جرتیم زیادتر شده بود. احساس کردم با دیدن زخم‌های شدید هم می‌توانم بدون دستپاچگی کم‌کم کارم را انجام بدهم. من در حالت عادی و پشت جبهه با دیدن زخم و خون حالم عوض می‌شود چه رسد به آن شرایط واولیا! امدادگری که در بیمارستان است در حالی به کمک مجروح با بیمار می‌شابد که جان خودش در خطر نیست و از آن گذشته در محیطی ساکت که از امکانات کافی برخوردار است کار می‌کند و دست‌کم جای خودش تنگ نیست، اما امدادگر عملیاتی جان خودش در خطر است، محیطش - اگر شب باشد- تاریک است و باید با دست‌زدن به بدن مجروح زخم را پیدا کند و گاهی جایش تنگ است و امکاناتش محدود و بالاخره اینکه باید در محیطی پرسرودا کار کند. تازه اغلب امدادگرها مثل خودم در پشت جبهه شغل امدادگری نداشته‌اند و بنابراین آن آرامش، مهارت و تجربه کافی را هم ندارند.

خوبی‌اش این بود که مرا پیش از اعزام به مدت ۱۵ روز به اورژانس بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) در خیابان نیایش اعزام کرده بودند و من توی اورژانس زخم‌ها و صحنه‌های دلخراشی دیده بودم که بماند!

پرنده آبی

واکنش ترامپ سبب شد بار دیگر روزنامه‌ها و رسانه‌ها به او اعتراض کنند. اما اخیراً بازفید اعلام کرد ۱۵ درصد از کارمندانش را کنار می‌گذارد تا بتواند به یک رشد پایدار برسد. هافبک‌تون پست هم می‌خواهد ۲۰نفر از روزنامه‌نگاران خلاق خود را اخراج کند. توییت ترامپ جنبه دیگری هم داشت؛ او در حالی توییت زد که بسیاری از خبرنگاران اخراج‌شده از طرف چند ترول اینترنتی به‌صورت هماهنگ تهدید به مرگ شده بودند.